

جایگاه مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری با تأکید بر امنیت غذایی (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهرداری تهران)

حمیده سادات آقامیری*

پژوهشگر پسا دکترا، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(پژوهشی)

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰)

<http://dx.doi.org/10.52547/sdgc.3.4.142>

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی جایگاه مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری با تأکید بر امنیت غذایی صورت گرفته است. تئوری نهایی انتخاب شده این تحقیق برای جمع‌بندی تئوری جغرافیای کشاورزی دیوید گریگ بود. با توجه به اهمیت ارتباط دو سویه شهر و روستا به منظور دستیابی به سطح بهینه پایدار در تأمین امنیت غذایی این تحقیق با شیوه توصیفی تحلیلی و با انتخاب تصادفی سیستماتیک در محله تهران پارس تهران صورت گرفته است. جامعه آماری این بررسی ساکنان منطقه ۴ تهران با تأکید بر ساکنان محله تهران پارس است که جامعه نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک با تأکید بر حداقل یک تجربه کوچک از فعالیت کشاورزی شهری انتخاب شده است. بعد از توصیف مشارکت شهروندی و امنیت غذایی در راستای چهارچوب تحقیق متغیرها شناسایی شد و براساس سه محور اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با روش آزمون ضریب همبستگی (R) به بحث گذاشته شد. در نهایت با تأکید بر لزوم این رابطه و مشارکت برای تأمین امنیت غذایی پیشنهاد شد تا از ظرفیت مهاجران روستایی به شهر و همچنین طرح کشاورزی شهری با تأکید بر منابع کنترل آب به منظور تقویت امنیت غذایی استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سبز، امنیت غذایی، شهر تهران، مشارکت شهروندی، منطقه ۴.

مقدمه

شاید بیشترین سهم تأمین امنیت غذایی بر عهده جامعه روستایی باشد اما این بدان معنا نیست که جامعه شهری تنها مصرف کننده محصولات غذایی است. نگاهی گذرا به کشورهای موفق در حوزه توسعه پایدار امنیت غذایی نشان می‌دهد که سعی می‌شود از برخی ظرفیت‌های جامعه شهری مثل علاقه شهروندان در چهارچوب مشارکت به کاشت و توزیع محصولات هم برای تأمین امنیت غذایی استفاده شود. استفاده از این ظرفیت‌ها به تمایل مردم و سطح مشارکت آنها بستگی دارد. که با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، کالبدی شهروندان متفاوت است. شاید این تصور وجود داشته باشد که در کشورهای در حال توسعه بسیاری از ساکنان شهرها را روستاییان تشکیل می‌دهند که به شهر مهاجرت کرده‌اند پس نباید نگران آموزش کشاورزی به شهروندان بود اما آنچه از شرایط فرهنگی استنباط می‌شود این است که خیلی از افراد برای رهایی از این فعالیت عازم شهر شده‌اند. پس باید دید به توجه به لزوم رابطه دو سویه بین جامعه شهری و روستایی در تأمین امنیت غذایی چگونه می‌توان از شهروندان برای حضور و جایگاه آنها برای تأمین این امنیت استفاده کرد. چراکه تأمین امنیت غذایی چیزی نیست که فقط بر عهده جامعه روستایی باشد. از این رو هدف در این بررسی این است که در ابتدا بررسی شود که در جامعه شهری چه ظرفیت‌هایی می‌تواند منجر به افزایش مشارکت شهروندان در راستای تأمین امنیت غذایی شود. و یا بهتر بگوییم شهروندان براساس چه عواملی بر این نوع امنیت اثرگذارند؟ و در ادامه بر مبنای شاخص‌های استخراجی بهترین راه حل را ارائه داده پرسشنامه طراحی شده در این راستا براساس تحقیقات پیشین و ادبیات تحقیق است. این بررسی با تأکید بر شرایط اجتماعی، اقتصادی، کالبدی صورت می‌گیرد و البته با توجه به تأثیر بی‌چون و چرای شرایط اقتصادی بر شرایط اجتماعی و کالبدی سعی می‌شود بخش اقتصادی را به عنوان محور اصلی این بررسی مدنظر قرار داد که آنچه در این مسیر نجات دهنده است توجه به اقتصاد سبز شهری در چهارچوب مشارکت شهروندی

است. چالش اصلی بر سر مسأله امنیت غذایی این است که دیگر نمی‌توان ظرفیت تأمین امنیت غذایی به واسطه جامعه شهری را نادیده گرفت و علاوه بر این بسیاری از شهروندان به این مهم علاقه دارند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این فعالیت حداقل در مقیاس مصرف خود مشغول هستند. این تحقیق با تأکید بر تأثیر این اهمیت و مشارکت شهروندان در این حوزه و بخش اقتصاد شهری صورت گرفته که تأثیر خود را بر شرایط اجتماعی و کالبدی هم گذاشته است و در همین راستا سوال اصلی این بررسی این است که با توجه به شواهد موجود چه ارتباطی بین شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود دارد؟ اهمیت این ارتباط چیست و چگونه می‌توان این مشارکت را در راستای تأمین امنیت غذایی پایدار مدیریت کرد؟ جامعه نمونه این بررسی که به‌طور اتفاقی انتخاب شده منطقه تهران پارس تهران است و روش تحقیق در آن توصیفی تحلیلی با هدف کاربرد است که نتایج آن با آزمون ضریب همبستگی استخراج شده و پیشنهادات لازم ارائه شده است. ابزارهای این بررسی پرسشنامه و صحبت چهره به چهره با مردم است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش با بررسی تحقیقات پیشین آغاز و در این بخش بر تحقیقات داخلی تأکید شد تا بتوان در نگاه اول خلا ناشی از این بررسی‌ها را در داخل کشور شناسایی و در انتها به یک راهبرد کاربردی رسید. تحقیقات زیادی در این خصوص صورت گرفته بود اما در بستر یک راهبرد، به موارد زیر اشاره می‌شود:

قریب (۱۳۹۱) در پژوهشی چشم انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۹۰، مشکلاتی که مانع افزایش ضریب امنیت غذایی و پیامدهای عدم توجه به شرایط نامناسب امنیت غذایی را بررسی و توصیف کرده است. در این تحقیق لزوم تجدید نظر در سیاست‌های قیمت‌گذاری و واردات مدنظر بوده است. شکوری (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان امنیت غذایی و دسترسی به آن در ایران به بررسی رابطه بین

و تأثیر آن بر امنیت غذایی، روش‌های جدید کشاورزی و تأمین منابع تولید، شاخص‌های دسترسی به امنیت غذایی از نوع پایدار و اشاره به پیوندهای روستا شهری بوده است. اما آنچه این پژوهش را از دیگر تحقیقات متمایز می‌کند توجه به نیروهای جدید در حوزه تأمین امنیت غذایی در جامعه شهری است که قبلاً به عنوان یک فعالیت تفریحی در جوامع شهری دیده می‌شد اما اینجا سعی می‌شود این فعالیت در چهارچوب مشارکت و تأثیر آن در اقتصاد شهری با محور امنیت غذایی مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا واژه شناسی پژوهش شامل موارد زیر است:

امنیت غذایی

واژه امنیت غذایی برای اولین بار توسط آمارتیاس اقتصاد دان و برنده جایزه صلح نبل اقتصاد در سال ۱۹۸۰ عنوان شد. (Bhattacharyya, K., 2010) بنابر تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۸۶ دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای داشتن یک جسم سالم است. طبق این تعریف موجود بودن پایداری در دریافت غذا سه عنصر اصلی می‌باشد و هم راستا با امنیت غذایی که فقط تأکید بر دسترسی دارد ایمنی غذایی قرار دارد که هدف آن رشد طبیعی محصولات و صرف نظر از استفاده از کمکل‌ها برای افزایش کمیت تولید در واحد سطح است. (حقوقی، ۱۳۹۰) امنیت غذایی روشی برای رفع مشکلات غذا در چهارچوبی تعریف شده برای برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه است. این امنیت در جهان تابع دو رشد فزاینده جمعیت و میزان تولید کشاورزی است. این امنیت می‌تواند به صورت به دست آوردن دائمی غذایی که از نظر فرهنگی قابل قبول از نظر تغذیه‌ای تأمین کننده رژیم غذایی کافی و از طریق منابع غذایی عادی تعریف گردد در نظر گرفته شود. (دامغانی و همکاران، ۱۳۹۳) از اواسط دهه ۱۹۷۰ امنیت غذایی از جمله بخش‌های مهم برنامه‌های مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل، سازمان جهانی بهداشت و همچنین فائو بود. تعریف راتزینگر^۵ در سال ۱۹۸۲ را می‌توان به عنوان موثرترین تعریف از این سال‌ها دانست، نظریه‌ای است که امروزه در تعریف امنیت غذایی دخیل است. آزادی مردم از محرومیت

سیاست‌های توسعه کشاورزی و امنیت غذایی ایران در بعد از انقلاب پرداخته تا میزان موفقیت این سیاست‌ها را در ایجاد امنیت غذایی در سطح خرد و کلان دریابد. این بررسی نشان می‌دهد دولت در فراهم کردن امکان دسترسی پایدار به امنیت غذایی برای تمام افراد جامعه توفیقی حاصل نکرده است. مهدوی دامغانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان امنیت غذایی و اخلاق زیستی در کشاورزی پایدار تحقق امنیت غذایی را در گرو توجه به کشاورزی پایدار می‌داند. در دهه‌های اخیر روش‌های ناپایدار کشاورزی که صرفاً برای افزایش تولید گسترش یافته پایداری منابع تولید امنیت غذایی را به مخاطره انداخته است همین شرایط انگیزه نگارش این مقاله بوده است. بونگیوا^۱ در تحقیقی با عنوان باغبانی خانگی به عنوان راهکاری برای امنیت غذایی و کاهش فقر در خانوارهای کم درآمد آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۵ توجه به اقتصاد خرد خانگی را عاملی برای توسعه پایدار کشاورزی روستایی می‌داند که تأثیر خود را بر امنیت غذایی در سطح کل هم دارد. جاکوب^۲ در تحقیقی با عنوان ارزیابی ارتباط نامنی غذایی با جامعه روستایی در سال ۲۰۱۸ سطح اندازه‌گیری و دسترسی به مواد غذایی یا همان HFIAS^۳ و بررسی شرایط آنرا عاملی برای بهبود ثبات بازار و کنترل سطح قیمت‌های مواد غذایی می‌داند. این بررسی با تأکید بر محصولات باغی صورت گرفت اما سطح تعمیم پذیری آن بررسی و مشخص شد نتایج برای تمام سطوح امکان‌پذیر است. جیمز^۴ در تحقیقی با عنوان مشارکت روستا شهری و امنیت غذایی در سال ۲۰۱۴ بر این باور است که جامعه روستایی نقش مستقیم در تأمین امنیت غذایی دارد و از این رو خود باید در امنیت غذایی کامل باشد. بر همین اساس در این بررسی خانواده‌های کم درآمد روستایی بررسی و منابع مالی موجود در روستا مدیریت شد تا علاوه بر تأمین امنیت غذایی در مقیاس کل خود جامعه روستایی هم به عنوان محور از امنیت غذایی کامل برخوردار باشد. در مجموع بررسی تحقیقات پیشین در حوزه امنیت غذایی که محور اصلی تحقیق است شامل مواردی همچون: مشکلات تأمین این امنیت، سیاست‌های اتخاذ شده در این حوزه، کشاورزی پایدار

مواد غذایی در همه زمان‌ها، تعریف راتزینگر از امنیت غذایی در سال ۱۹۸۲ بود. توجه رسمی به امنیت غذایی در سال ۱۹۹۶ در کمیته‌ای توسط FAO در رم، ایتالیا بود که هدف اصلی آن بهبود وضعیت غذا در جهان تا سال ۲۰۱۵ بود (Adcock, R., 2009). امنیت غذایی برای اولین بار در این سال صاحب اسناد مالی در خصوص تأمین غذا در سازمان ملل با توجه به سهم هر کشور شد. امروزه تعریفی درست از امنیت غذایی شامل غذایی سالم است که با کیفیت خوب و مناسب تهیه شود. علاوه بر این، دسترسی به منابع آب سالم نه تنها غذا به ابعاد مهم امنیت غذایی تبدیل شده است (Rivera, 2012) تعاریف مختلف از امنیت غذایی نشان داد که این امنیت در طول زمان پایدار نبوده و نیازهای روزانه انسان عامل این تغییر بوده است. توجه به امنیت غذایی از سال ۱۹۳۰ آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. در گذشته تنها دسترسی به غذا به عنوان امنیت غذایی تعریف می‌شد، اما امروزه در دسترس بودن آب سالم هم بخش مهمی از امنیت غذایی است. حال باید سیاست این دسترسی را دید و شاید یکی از مهمترین دلایل نگرش این مقاله عواملی است که این دسترسی را تغییر می‌دهد (یگانه، ۱۳۹۳). امنیت غذایی یک سیاست امنیتی ملی است که میزان عرضه و کیفیت کالاهای غذایی را در هر کشور نشان می‌دهد. می‌توان گفت فراهم آوردن سطح مطلوب امنیت ملی نیازمند ارائه سطح مطلوب امنیت غذایی است. تأمین مواد غذایی پایدار نقش مهمی در امنیت غذایی در جامعه ایفا می‌کند و در نهایت می‌تواند پایداری امنیت غذایی را تضمین کند. عوامل موثر بر امنیت غذایی عبارتند از خودکفایی غذا یا تولید داخلی آن، دسترسی عمومی به غذا که توسط اشتغال و درآمد کافی فراهم می‌شود و تمام این عوامل تحت تأثیر عواملی مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری است. (اسماعیل فر، ۱۳۹۳) از نگاه نگارنده با توجه به تعاریف مختلف از امنیت غذایی می‌توان از لحاظ کاربردی این نوع امنیت را به این شکل تعریف کرد: امنیت غذایی استراتژی در حفظ منابع است به طوری که بتوان ایمنی منابع تولید غذا را برای نسل‌های آینده تأمین کرد. ما نمی‌توانیم یک تعریف واحد از

امنیت غذایی را قبول کنیم چرا که استراتژی واحد برای تأمین امنیت غذایی در هر کشور نداریم. امنیت غذایی نیازمند تحول است که این تحول می‌تواند از تعریف آن آغاز شود. از تعریفی با برداشتهای متفاوت. تعریف نگارنده از امنیت غذایی نشان می‌دهد این نوع امنیت نیازمند بررسی منابع متفاوت آن است. از این رو بررسی منابع امنیت غذایی نشان می‌دهد این نوع امنیت دارای سطوح مختلفی است که برای رسیدن به سطح مطلوب امنیت غذایی شناسایی آن ضروری است. خروج تأمین امنیت غذایی از روستا و توجه به شرایطی جدید مثل مشارکت شهروندی و اقتصاد سبز شهری می‌تواند از سطوح جدید در بررسی امنیت غذایی باشد.

اقتصاد سبز

اقتصاد سبز را می‌توان مدل توسعه اقتصادی بر پایه توسعه پایدار و دانش اقتصاد محیط زیست دانست که علاوه بر کاهش خطرات محیط زیست در صدد بهبود سلامتی انسان و ایجاد برابری اجتماعی هم می‌باشد، طبق تعریف UNEP اقتصاد سبز فرایندی است که طی آن رفاه و حقوق اجتماعی انسان افزایش یابد در حالی که خطرات و تهدیدات که متوجه محیط زیست است کاهش یابد. طبق سیاست‌های کل نظام در حوزه محیط زیست ابلاغی رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۶ آبان ماه سال ۱۳۹۴ در بند ۸ این سیاست‌ها آمده است که توجه به گسترش اقتصاد سبز با تأکید بر صنایع کم کربن استفاده از انرژی‌های پاک محصولات کشاورزی سالم و اورگانیک. مقام معظم رهبری این سیاست‌ها را در آبان سال گذشته ابلاغ کردند که باید جز سیاست‌های کلان نظام باشد. (کاشفی دوست، ۱۳۹۹) در حوزه محیط زیست یکی از موضوعات مهم بحث امنیت غذایی است البته درست است که اینگونه سیاست‌ها در مورد محیط زیست است ولی بند ۸ بیانگر اقتصاد کشاورزی سالم است و بعد از این اشاره به محصولات اورگانیک هم دارد که ارتباط مستقیم با بحث امنیت غذایی توسعه پایدار و کشاورزی پایدار دارد. کال بورکارت تعریف می‌کند که اقتصاد سبز باید از این شش ویژگی برخوردار باشد:

برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. این به معنای حضور فعال و داوطلبانه مردم محلی سازمان‌های غیردولتی و مردم در فرایند توسعه است. مشارکت همگانی عموماً به صورت فرآیندی می‌تواند تعریف شود. که در آن شهروندان به شکل فردی یا گروهی در برنامه‌ریزی درگیر شوند که در معیشت یا محیط زندگی آنها تاثیر می‌گذارد (هادیانی و همکاران، ۱۳۹۳). اهداف مشارکت شامل حساس‌سازی مردم برای افزایش قدرت و توانایی پذیرش و پاسخ آنها در برابر پروژه‌های توسعه، برقراری یک گفتگو میان مردم محلی و کارکنان مسئول آماده سازی، اجراء، نظارت و ارزشیابی به منظور لینک اطلاعات درباره شرایط محلی و اثرات اجتماعی پروژه، مداخله داوطلبانه در تغییرات تعیین شده توسط خود آنها و دخالت مردم در توسعه و تکامل خود زندگی خود و محیط زیست خود می‌شود. مشارکت در واقع فرایندی است چند بعدی که در پاسخگویی به شرایط ویژه در نقاط مختلف شکل‌های متفاوت به خود می‌گیرد و هیچ روش خاصی برای نظارت بر آن وجود ندارد و تفسیر آن تحلیل‌هایی است که به کار برده می‌شود. برخی صاحب نظران مثل اوکلی و مارسدن مشارکت را وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت‌ها، شرکت کردن در تصمیم‌گیری اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مندی از ثمرات آن بیان کرده‌اند. مشارکت دارای انواع گوناگونی است که می‌توان به مشارکت از نوع ابزاری، ارادی، برانگیخته، پیمانی، تحمیل شده، توسعه‌ای، مشاوره‌ای اشاره کرد. بهترین نوع مشارکت که بتوان به آن در راستای توسعه امیدوار بود و در سطح اول مشارکت ارادی است که با تبدیل آن به مشارکت توسعه‌ای می‌توان به نتایج مشارکت در جامعه امیدوار بود (رضوانی، ۱۳۸۹). مشارکت شهروندان توزیع قدرتی است که شهروندان بدون قدرت را توانمند سازد این بدان معناست که آنها بتوانند در منابع فراوان آن سهیم شوند. این نوع مشارکت ابعاد گوناگونی دارد و از این رو برای اینکه بتوانیم مشارکت شهروندان را در غالب اقتصاد سبز شهروندی تفسیر کنیم باید چهارچوب مشارکت را برای شهروندان شرح دهیم و در این میان مشارکت زیست

- انرژی تجدید پذیر توان خورشیدی توان بادی توان دریایی از جمله توان موجی زیست گاز و پیل سوختی
- معماری سبز
- ترابری سبز سوخت جایگزین خودروی چندگانه
سوز برنامه‌های هم سفری خودروی الکترونیکی
- مدیریت آب
- مدیریت پسماند
- مدیریت زمین کشاورزی آلی بازسازی بوستان‌ها
پیشگیری از فرسایش خاک (Chappell, M., 2006).

مشارکت شهروندی

در ادبیات توسعه به ویژه توسعه پایدار واژه مشارکت جایگاه خاصی دارد و این واژه امروزه به یکی از واژه‌های کلیدی فرهنگ توسعه تبدیل شده است. با این وجود هنوز برداشت مشخص و یکسانی از مفهوم مشارکت وجود ندارد. این تفاوت برداشت تنها شامل درک معنی واژه مشارکت نیست بلکه ریشه‌های تاریخی کاربرد عملی و دلالت‌های نظری آن را نیز در بر می‌گیرد. (فتحی، ۱۳۹۳) مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم برای افزایش قدرت و توانایی پذیرش و پاسخ آنها در برابر پروژه‌های توسعه است و یا برقراری یک گفتگو میان مردم محلی و کارکنان مسئول آماده سازی، اجراء، نظارت و ارزشیابی به منظور لینک اطلاعات درباره شرایط محلی و اثرات اجتماعی پروژه. مشارکت عبارت است از مداخله داوطلبانه در تغییرات تعیین شده توسط خود آنها و یا دخالت مردم در توسعه و تکامل خود زندگی خود و محیط زیست خود. مشارکت در واقع فرایندی است چند بعدی که در پاسخگویی به شرایط ویژه در نقاط مختلف شکل‌های متفاوت به خود می‌گیرد و هیچ روش خاصی برای نظارت بر آن وجود ندارد و تفسیر آن تحلیل‌هایی است که به کار برده می‌شود. برخی صاحب نظران مثل اوکلی و مارسدن مشارکت را وسیله دسته افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت کردن در تصمیم‌گیری اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مندی از ثمرات آن بیان کرده‌اند (الوانی، ۱۳۹۴). به‌طور کلی مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنها را بر می‌انگیزد تا

دادن اختیار نهایی تصمیم‌گیری به دست شهروندان) طبقه‌بندی کرده است (فتحی، ۱۳۹۳).

۲- تئوری اقتصاد سبز (تئوری جغرافیای کشاورزی دیوید گریک^۷)

تئوری جغرافیای کشاورزی دیوید گریک اولین نوع تئوری در حوزه کشاورزی بود که مرزبندی تولید محصولات کشاورزی بین شهر و روستا را برداشت. این نظریه یک نظریه برای تحلیل فضایی تولید بوده که براساس آن جوامع شهری در صورت وجود استانداردهای تولید با تأکید بر منابع می‌تواند مکمل تولید محصولات کشاورزی در روستاها باشند. این نگرش در جایگاه خود مهم است چرا که اساس توسعه کشت یک محصول در منطقه، آمایش سرزمین و پهنه‌بندی اگرواکولوژیکی براساس ظرفیت‌های آب، هوا و خاک است و تعیین جغرافیای کشاورزی گام نخست توسعه کشاورزی در هر منطقه محسوب می‌شود. طرح‌ریزی این تئوری باید با آموزش همراه باشد و آموزش جغرافیای کشاورزی راهی به سوی توسعه پایدار است (یزدی و بهروزه، ۱۳۹۴).

مواد و روش تحقیق

بخش اصلی این مقاله بررسی رابطه بین مشارکت شهروندی، اقتصاد سبز شهری و امنیت غذایی است که بررسی‌های میدانی و تحلیل داده‌ها براساس همین متغیرها صورت گرفته است. بررسی تئوریک تحقیق حاضر براساس آمار منابع داخلی، FAO و WBO است. نتیجه‌گیری این اطلاعات بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی بوده، بنابراین می‌تواند در آینده مورد استفاده نهادهای برنامه‌ریز در حوزه امنیت غذایی قرار گیرد. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش بود که چگونه مشارکت شهروندی در راستای توسعه اقتصاد سبز شهری سبب ارتقا امنیت غذایی شده و چه شاخص‌هایی در آن دخیل است. از این رو بعد از بررسی‌های تئوریک و بررسی ارتباط بین کشاورزی با جامعه شهری و سطح امنیت غذایی پرسشنامه‌ها طراحی شد و شروع این پرسش با سوالاتی باز مبنی بر نظر جامعه نمونه نسبت به این تحقیق بود. در نتیجه گروهی از داده‌ها در بررسی اول استخراج شد که درصد بیشتر آن مربوط به دو

محیطی می‌تواند ابزاری برای رسیدن به این سطح از اقتصاد باشد. از نگاه نگارنده مشارکت زیست محیطی بخش مهمی از مشارکت شهروندی به حساب می‌آید. این سطح از مشارکت هم راستا با اهداف توسعه پایدار در شهر است و از آنجایی که اقتصاد سبز یکی از برنامه‌های مهم شهرها برای رسیدن به توسعه پایدار است مشارکت شهروندی می‌تواند با اتکا به بخش زیست محیطی خود این مهم را برآورده سازد (علوی تبار، ۱۳۹۵).

مشارکت شهروندی در غالب کمک به اقتصاد سبز شهری هیچ انگیزه‌ای قوی‌تر از امنیت غذایی ندارد چرا که این مقوله تنها هزینه‌ای است که هر روز انسان پرداخت می‌کند بلکه انگیزه‌ای است که ذخیره منابع را برای انسان چند برابر می‌کند از طرفی انگیزه‌ای برای حفظ منابع طبیعی را برای نسل‌های آتی مدنظر دارد.

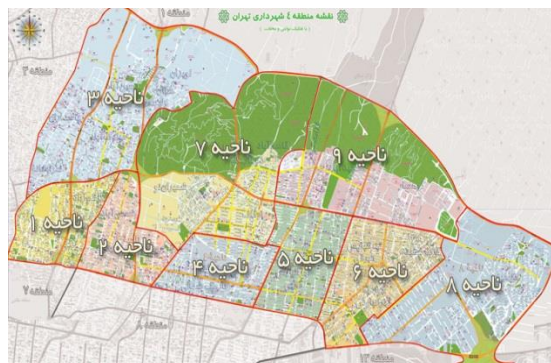
تئوری تحقیق

۱- تئوری مشارکت شهروندی (تئوری مشارکت عمومی جی شفریتز^۸)

از میان تمام تئوری‌های موجود مشارکت شهروندی تئوری مشارکت جی شفریتز شاید متفاوت‌ترین آنها است. این نوع تئوری مشارکت را تا کسب قدرت کامل راهبری می‌کند و مهم برای آن توانمندسازی افراد و گروه‌ها به همراه قدرت چانه‌زنی برای نشان دادن علایق و برنامه‌ریزی به سمت رسیدن به قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در عین کنترل بهینه از سوی خود مردم است. تئوری مشارکت جی شفریتز ابعاد سیاسی و جامعه‌شناسی موضوع مورد مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد و با آسیب‌شناسی بهینه باعث زمان مناسب مشورت یعنی مشارکت قبل از تصمیم‌گیری می‌شود. (رجبی، ۱۳۹۰) طبق این مدل انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی مشارکت را در پنج دسته اطلاع دادن (هدف از مشارکت و اطلاع یافتن از مسأله و فرصت‌ها و راه‌حل‌های پیش رو)، مشاوره (تحلیل گزینه‌ها و تصمیمات)، مشارکت (کارکردن مستقیم با مردم در فرایندها به جهت اطلاع یافتن از درک و ملاحظات مردم)، همکاری (مشارکت با مردم در هر جنبه از تصمیم‌گیری (راه‌حل‌ها و گزینه‌ها)) و توانمندسازی

نمونه قرار نمی‌گرفت در نتیجه می‌توان گفت این انتخاب تا حدودی به صورت تصادفی سیستماتیک بود. چراکه در ابتدا در محدوده افراد انتخاب و فعالیت کشاورزی ملاک عمل قرار گرفت و با درصد آلفای کرومباخ ۰/۵ درصد پرسشنامه‌ها برای تحلیل نهایی آماده شد. محدوده مورد مطالعه این بررسی منطقه تهران پارس بود که منطقه‌ای در شمال و شمال شرق تهران بود و در محدوده منطقه ۴ شهرداری تهران واقع شده است. طبق تقسیم‌بندی انجام شده این محل به تهران پارس شرقی و غربی تقسیم شده است. در این بررسی با روش تصادفی سیستماتیک نواحی ۵ و ۶ منطقه ۴ شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفت. منطقه تهران پارس در تهران بیشترین حجم از رستوران با تأکید بر فست فود را داراست و اکثر مردم برای صرف غذا به رستوران‌های معروف آن مراجعه می‌کنند. با توجه به ضریب نفوذ منطقه مبنی بر نفوذپذیری غذایی این انتخاب صورت گرفت.

شاخص شرایط اجتماعی و فرهنگی بود. اما در بخش کالبدی این بررسی که می‌توان منابع تولید امنیت غذایی را هم در آن ترسیم کرد اولین نشانه راهبرد پیشنهادی یعنی کشاورزی شهری با حفظ منابع آب عنوان شد. محدوده مورد بررسی این تحقیق منطقه ۴ و تهران پارس بود و دلیل اصلی این انتخاب شناخت محقق از منطقه و اکثر مغازه‌های غذایی است که در این محدوده جای گرفته به صورت تصادفی ۱۰۰ نفر در گروه نمونه قرار گرفتند که طی ۵ سال اخیر با تأکید بر بازه ثمر دهی محصول تجربه کار کشاورزی حتی در مقیاس کوچک را داشتند و در واقع می‌توان گفت سطح مشارکت شهروندان در اقتصاد سبز شهری با توجه به تأثیر مستقیم فعالیت کشاورزی بر امنیت غذایی با فعالیت کشاورزی شهروندان تعریف شد. این ۱۰۰ نفر در بررسی اولیه انتخاب شدند و در هنگام پر کردن پرسشنامه در بازدید میدانی اگر گروه نمونه از فعالیت کشاورزی اظهار بی‌اطلاعی و عدم انجام می‌کرد در گروه



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه منطقه ۴

نتایج آن به شرح زیر عنوان شود. فرضیات تحقیق براساس شاخص‌های قابل طبقه‌بندی شامل موارد زیر می‌شود:

- بین شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین شرایط اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز رابطه معناداری وجود دارد.

یافته‌های تحقیق

در توصیف مشارکت عنوان شد که این مهم اگر در جایگاه واقعی خود قرار گیرد یک امر خود به خودی است. از این رو با توجه به بررسی محدوده مورد مطالعه و عدم اطمینان از این که چند درصد از اهالی محله سابقه مشارکت از نوع مورد بررسی یعنی همان فعالیت کشاورزی شهری را داشته‌اند، فرمول کوکران برای انتخاب نمونه‌ها در نظر گرفته شد و بعد از محاسبه با توجه به ظرفیت محله موردنظر ۱۰۰ پرسشنامه پر و

- بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی‌های اولیه نشان داد که عواملی مانند جنس، سن، متوسط درآمد ماهانه، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات از جمله شرایط اجتماعی - اقتصادی است که می‌تواند در درصد مشارکت شهروندان اثرگذار باشد. همچنین مدت زمان سکونت در محله، سابقه داشتن مشارکت در محله مثل کاشتن درخت، حفظ محیط زیست (جمع‌آوری زباله و ...) از جمله مواردی بود که شهروندان به آن اشاره کردند و هر شهروندی با سکونت در محله مورد نظر یا آن را انجام می‌داد یا در شرایط انجام آن قرار می‌گرفت. استفاده از این نوع مشارکت در مسائل زیست محیطی نمود بیشتری می‌یابد. ارتباط بین دو متغیر مشارکت و اقتصاد سبز شهری و تأثیر آن بر ارتقا سطح پایدار امنیت غذایی در این فرضیات همان چیزی است که پژوهشگران با اتکا به نتایج بر آن تأکید دارد. علاوه بر این سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در بهبود شرایط اقتصادی با تأکید بر امنیت غذایی یکی از دلایلی است که اکثر کشورهای دنیا برای مشارکت هزینه می‌کنند. چراکه ارتباط بین مردم و شرایط اقتصادی و امنیت غذایی با باز تعریفی از اقتصاد سبز ارتباطی غیر قابل انکار است و این سنجش می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار شود. این روزها با وجود چالش‌های پیش رو در روند توسعه، هر کشور به دنبال نیروی محرکه برای رفع این چالش است و چه بسا مشارکت شهروندی بتواند این مهم را مرتفع سازد. از این رو با توجه به اهمیت موضوع در ابتدا تحلیل داده‌ها با تفسیر عوامل اجتماعی اقتصادی آغاز شد تا به نتیجه رسید. از میان ۱۰۰ نفر انتخاب شده به صورت تصادفی در این بررسی ۴۳ نفر زن و ۵۷ نفر مرد بودند. از این تعداد ۱۷ نفر زیر ۲۵ سال، ۳۷ نفر بین ۲۵ تا ۴۵ سال، ۲۷ نفر بین ۴۵ تا ۵۵ سال و مابقی یعنی ۱۹ نفر ۵۵ سال به بالا بوده‌اند. در خصوص وضعیت اشتغال هم ۷۰ نفر شاغل و ۳۰ نفر بیکار بوده‌اند. متوسط هزینه ماهانه هم برای ۲۷ نفر، زیر ۵۰۰ هزار تومان، ۳۸ نفر بین ۵۰۰ تا یک میلیون تومان، ۲۵ نفر بین ۱ تا ۲ میلیون تومان و

۱۰ نفر هم دو میلیون تومان بیشتر بوده است. در سطح تحصیلات هم ۸ نفر سیکل، ۳۲ نفر دیپلم، ۴۶ نفر لیسانس و ۱۴ نفر فوق لیسانس به بالا بوده‌اند. مدت زمان سکونت هم برای ۳۸ نفر زیر سه سال، ۳۶ نفر بین ۳ تا ۱۰ سال، ۲۲ نفر بین ۱۰ تا ۲۵ سال، ۳ نفر بین ۲۵ تا ۴۵ سال و یک نفر هم بیش از ۴۵ سال بوده است. به منظور شناسایی درصد مشارکت شهروندان در اقتصاد سبز شهری فعالیت پایه کشاورزی و زیست محیطی مرتبط با موضوع امنیت غذایی مورد توجه قرار گرفت که در نهایت در کل درصد سهم مشارکت ۵۷ درصد شد که این میزان با توجه به شرایط محله و بازدید میدانی درصد نسبتاً قابل قبولی است. درصد مشارکت مردان بیش از زنان و رقمی بالغ بر ۳۳ درصد است که می‌تواند گویای این مطلب باشد که شاید زمینه برای مشارکت زنان آن طور که باید فراهم نیست چرا که این گروه از جامعه و به ویژه زنان خانه‌دار در این زمینه نقش بسزایی دارد. در رابطه با سن افراد و ارتباط آن با مشارکت بیش‌ترین مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۵۵ سال می‌شود و این در حالی است که بیش‌ترین سهم آن برای عدم مشارکت مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها برای این گروه باید در دستور کار قرار گیرد. وضعیت اشتغال و مشارکت در اقتصاد سبز شهروندی به گونه‌ای است که بیشتر سهم را شاغلان با متوسط درآمد ماهانه بین ۵۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون است که این فعالیت می‌تواند کمک هزینه معیشتی آنها هم باشد. در نهایت با بررسی مقدماتی روابط فوق این نتیجه حاصل شد که با توجه به درصد مشارکت مردان در تحقیق آنها مناسب مشارکت در بیرون خانه هستند و درصد مشارکت براساس سن بین گروه‌های سنی ۴۵ تا ۵۵ بیش‌ترین میزان را دارد پس جوانان برای مشارکت نیازمند انگیزه‌های خاص خود هستند. ارتباط بین مشارکت با میزان هزینه‌های ماهانه هم گویای این امر است که شاید تقویت مشارکت در امور محله باید بتواند هزینه‌های جانبی را کاهش دهد. بین میزان تحصیلات و درصد مشارکت شهروندان رابطه مستقیم وجود دارد و این مهم نشان می‌دهد که تنها تجربه در مشارکت کافی نیست و باید علم آن بین افراد تقویت شود. چراکه

مشارکت برای توسعه نیازمند آموزش شهروندی است. شاخص‌های استخراجی این بررسی در جدول زیر خلاصه می‌شود:

جدول ۱: شاخص‌های استخراجی تحقیق

شرایط اقتصادی (اقتصاد سبز)	شرایط اجتماعی	شرایط کالبدی
قدرت پس انداز	شرایط سنی و جنسی	محل سکونت (مدت زمان)
سطح درآمد	شرایط تحصیلی	نوع بنا (قدیمی یا مدرن)
مصرف کالاهای پایه با تأکید بر بخش کشاورزی	تجربه مشارکت اجتماعی شهروندان با تأکید بر فعالیت‌های زیست محیطی مثل کاشت درخت	نوع مالکیت
هزینه هر خانوار برای تأمین امنیت غذایی	مهاجرت	منابع محیطی (منابع آب و خاک)
سهام خانواده در تولید خانگی		

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز نشان می‌دهد که چنانچه تحت فرضیه‌سازی آزمون ضریب همبستگی قرار گیرد و خواهیم داشت:

H (0): رابطه معنادار بین شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود ندارد.
H (1): رابطه معنادار بین شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود دارد.

بعد از اتمام این سطح بررسی فرضیه‌ها به آزمون گذاشته شد که با توجه به متغیرهای پیش رو و فرضیات آزمون ضریب همبستگی مورد استفاده قرار گرفت.

فرضیه شماره ۱: وجود رابطه معنادار بین شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز نتایج محاسبات به دست آمده از تجزیه و تحلیل نظرات پاسخ دهندگان پیرامون وجود رابطه معنادار بین

جدول ۲: آزمون ضریب همبستگی برای تعیین رابطه معنادار بین شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در

تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز

متغیرها	تعداد	نتایج آزمون ضریب همبستگی
شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز	۱۰۰	سطح معنادار R
		۰/۵۵
		۰/۰۰۶

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

قابل تایید می‌شود و با توجه به درصد ضریب همبستگی موجود یا همان $R=0/55$ رابطه بسیار قوی بین متغیرها وجود دارد.

نتایج آزمون فوق عنوان می‌کند که در سطح اطمینان ۹۵ درصد با توجه به اینکه سطح معناداری (Sig-value) بزرگتر از میزان خطاست لذا فرضیه H صفر رد و H یک پذیرفته می‌شود و بدین ترتیب با احتمال خطای (۰/۰۵) در جامعه اصلی گروه نمونه نیز

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

نشان می‌دهد که چنانچه تحت فرضیه‌سازی آزمون ضریب همبستگی قرار گیرد، خواهیم داشت:
 $H(0)$: رابطه معنادار بین شرایط اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود ندارد.
 $H(1)$: رابطه معنادار بین شرایط اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود دارد.

فرضیه شماره ۲: وجود رابطه معنادار میان شرایط اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز نتایج محاسبات به دست آمده از تجزیه و تحلیل نظرات پاسخ دهندگان پیرامون وجود رابطه معنادار بین شرایط اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی برای تعیین رابطه بین شرایط اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز

متغیرها	تعداد	نتایج آزمون ضریب همبستگی
شرایط اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز	۱۰۰	سطح معناداری R ۰/۰۰۶

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

وجود رابطه معنادار بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز نشان می‌دهد که چنانچه تحت فرضیه‌سازی آزمون ضریب همبستگی قرار می‌گیرد خواهیم داشت:

$H(0)$: رابطه معنادار بین وجود رابطه معنادار بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود ندارد.

$H(1)$: رابطه معنادار بین وجود رابطه معنادار بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود ندارد.

نتایج آزمون فوق عنوان می‌کند که در سطح اطمینان ۹۵ درصد با توجه به اینکه سطح معناداری (Sig-value) بزرگتر از میزان خطاست لذا فرضیه H صفر رد و H یک پذیرفته می‌شود. و بدین ترتیب با احتمال خطای ۰/۰۵ در جامعه اصلی گروه نمونه نیز قابل تایید خواهد بود. این فرضیه تایید می‌شود و با توجه به درصد ضریب همبستگی موجود یا همان $R=0/36$ رابطه قوی بین متغیرها وجود دارد.

فرضیه شماره ۳: وجود رابطه معنادار بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز نتایج محاسبات به دست آمده از تجزیه و تحلیل نظرات پاسخ دهندگان پیرامون وجود رابطه معنادار بین

جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی برای تعیین رابطه بین وجود رابطه معنادار بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز

متغیرها	تعداد	نتایج آزمون ضریب همبستگی
وجود رابطه معنادار بین شرایط کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز	۱۰۰	سطح معناداری R ۰/۰۰۶

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

نشوند. فرضیه‌ها در این بررسی بر مبنای سه شاخص مهم اقتصادی، اجتماعی و در نهایت کالبدی بود. سه شاخصی که در تمام تحقیقات به هم گره خورده اما این بررسی نشان داد که گاهی شرایط اقتصادی شهروندان ایجاب می‌کند تا شاخص‌های اجتماعی را برای بهبود اوضاع اقتصادی خود به کار گیرند. در بحث شاخص‌های اقتصادی بخش مهم مورد توجه شهروندان در راستای مشارکت و فاکتورهای اقتصاد سبز بحث هزینه هر خانوار برای تأمین امنیت غذایی بود که با تفکیک آن می‌توان سهم هر شهروند را در راستای تولید مشخص کرد. در بحث شاخص‌های اجتماعی بخش مهم مورد توجه شهروندان در راستای مشارکت و فاکتورهای اقتصاد سبز بحث تجربه مشارکت اجتماعی شهروندان با تأکید بر فعالیت‌های زیست محیطی مثل کاشت درخت از جمله مواردی بود که مورد توجه قرار گرفت و نشان داد که میل به فعالیت برای تولید حتی در شهر هم وجود دارد. همچنین این شاخص نشان داد که اکثر افراد نسبت به حل مشکلات محله خود احساس مسئولیت می‌کنند و این در حالی است که همه از وجود سازمان‌های محلی برای این مهم آگاهی دارند. پس باید دید دلیل این همکاری کم رنگ چیست و چطور می‌توان آنرا ارتقا داد. چراکه مردم بر این باورند که خود به تنهایی مسئول مستقیم محیط زیست خود نیستند و باید زمینه‌ای فراهم شود تا عناصر و ارگان‌های زیربنا در این زمینه فعال باشند. برای حل این مشکل ارتباط مسئولین محلی با مردم باید قوی باشند مردم باید با آنها در ارتباط، بدون واسطه باشد. از نگاه مردم در مفید بودن مشارکت در کار گروهی در بخش امنیت غذایی و بهبود کیفیت آن هیچ شکی نیست. مشارکت می‌تواند از یک کوچه و همکاری همسایه‌ها آغاز شود. در نهایت در بحث شاخص‌های کالبدی بخش مهم مورد توجه شهروندان در راستای مشارکت و فاکتورهای اقتصاد سبز نکته مهم و کلیدی اشاره شده منابع محیطی محلات (منابع آب و خاک، عناصر پایه کشاورزی) برای شروع نقشه‌ای پایلوت و اجرای طرح کشاورزی شهری بود که

نتایج آزمون فوق عنوان می‌کند که در سطح اطمینان ۹۵ درصد با توجه به اینکه سطح معناداری (Sig-value) بزرگتر از میزان خطاست لذا فرضیه H صفر رد و H یک پذیرفته می‌شود و بدین ترتیب با احتمال خطای ۰/۰۵ درصد در جامعه اصلی گروه نمونه نیز قابل تایید خواهد بود. این فرضیه تایید می‌شود و با توجه به درصد ضریب هم بستگی موجود یا همان ۰/۴۴ R= رابطه نسبتاً قوی بین متغیرها وجود دارد. متغیر مستقل این بررسی سطح مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری است که نبود آن تأثیر منفی بر شرایط امنیت غذایی و فعالیت‌های وابسته به آن دارد. چنان که نتایج تحقیق هم نشان می‌دهد بعد اجتماعی این بررسی بیشترین تأثیر را بر افزایش سطح مشارکت و تأثیر آن بر تأمین امنیت غذایی دارد و شاخص‌های کالبدی به منظور اهمیت زیرساخت تولید و شرایط اقتصادی به دلیل لزوم پتانسیل اقتصادی تولید در گام‌های بعدی قرار دارد. در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که بسته به نوع شرایط تولید اثر شاخص‌ها بر میزان مشارکت شهروندان تأثیر می‌گذارد. به طوری که نتیجه-گیری یافته‌ها و تحقیقات در این مقاله نشان می‌دهد توسعه اقتصادی در همه ابعاد بدون مشارکت مردم امکان پذیر نیست و در بین این مشارکت وقتی پای امنیت غذایی به میان می‌آید یعنی نیاز هر روز مردم این مشارکت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. امنیت غذایی برای پایداری نیازمند حفظ و تأمین منابع تولید است و در این راستا راهکارهای موجود بین اقتصاد سبز و مردم می‌تواند بهترین گزینه باشد. چون این نوع اقتصاد پیش از آنکه دولتی باشد یک سبک مردمی محلی است و مردم با فعالیت کشاورزی می‌توانند شروع خوبی در جوامع شهری برای تأمین امنیت غذایی داشته باشند حتی اگر این کار جنبه تفریح داشته باشد می‌تواند تا حدودی مردم را در شهر متوجه اهمیت تولید کند. اما منابع آب در این سبک تولید اهمیت فراوانی دارد که به استراتژی تولید در هر کشور و هر منطقه مربوط می‌شود اینکه چگونه برنامه‌ریزی کنند تا با کمبود منابع مواجه

برای تأمین منابع آب با انتقادات زیادی رو به رو است اما می‌تواند در مقیاس کوچک آغاز شود.

بحث و نتیجه‌گیری

سوال اصلی این بررسی این است که با توجه به شواهد موجود چه ارتباطی بین شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهروندان و میزان مشارکت آنها در تأمین امنیت غذایی با توجه به شاخص‌های اقتصاد سبز وجود دارد؟ اهمیت این ارتباط چیست و چگونه می‌توان این مشارکت را در راستای تأمین امنیت غذایی پایدار مدیریت کرد؟ آنچه مسلم است در ایران و تهران مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری با تأکید بر امنیت غذایی هنوز آن‌طور که باید جایگاه خود را در برنامه‌ریزی شهری باز نکرده است و به آن کمتر توجه می‌شود. چراکه بخش عظیمی از تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه سیاسی است و سهم مردم در آن ناچیز است. برای حل این مشکل باید ابتدا مثل تحقیق حاضر آسیب‌شناسی از شرایط موجود صورت گیرد و مشخص شود کدام شاخص مناسب برنامه‌ریزی مشارکتی است. بعد از شناخت و استخراج متغیرها و مقایسه آن با سیاست‌ها می‌توان مشارکت را راهکاری برای کمک افراد و ارتقا امنیت غذایی دانست. تا سیاست‌ها تغییر نکند سهم مردم هم در مشارکت تغییری نمی‌کند. در صورتی که مشارکت باید با توجه به نقش مردم و در نظر گرفتن نیازهای آنها در این زمینه باشد و در جامعه نهادینه شود. علاوه بر این توسعه مشارکت مدیریت خاص خود را می‌خواهد چون این شرایط نیازمند ساماندهی است و اصل مدیریت باید در مدیریت منابع خلاصه شود. در طرح مشارکت نباید به صورت یک طرفه اجرا شود، نباید تقلیدی باشد و باید مردم در جریان طرح‌ها و برنامه‌های مشارکت باشند. بعد از اصلاح سیاست‌ها و شرایط مدیریتی آنچه این مثلث را برای ارتقا مشارکت شهروندان در توسعه اقتصادی شهر با تأکید بر امنیت غذایی تکمیل می‌کند آگاهی مردم شهر نسبت به منابع موجود برای تولید و جایگاهی است که در این ارتقا نقش دارد. مردم باید بدانند کجای این توسعه قرار گرفته‌اند

که این مهم با وضع قوانین مدون و کارآمد امکان‌پذیر است. با تقویت این زیرساخت‌ها حالا می‌توان مشارکت شهروندی را در اقتصاد شهری و امنیت غذایی دید. اصلاح سیاست‌ها، تغییر ساختار مدیریتی و ارتقا آگاهی مردم سه بخشی است که در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد و راهکاری عملی برای گزینش آنها مدیریت فعالیت کشاورزی شهروندان است. در تحقیقات گذشته توجه کمی به نقش شهروندان در تأمین امنیت غذایی می‌شد اما با این انگیزه که مشارکت در این بخش سبب تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهروندان می‌شود و تجربه موفق کشاورزی شهری با حفظ منابع آب در بسیاری از کشورها دیده شده می‌توان فصلی جدید از زندگی شهری را آغاز کرد. از این رو با توجه به موضوع مقاله و ارائه پیشنهاد کاربردی فعالیت مردم در طراحی فضای سبز شهری، توجه مدیران شهری به نظر مردم از جمله عواملی است که می‌تواند مشارکت شهروندی و اقتصاد شهری را تضمین کند و در این میان کشاورزی شهری پل ارتباطی بین سه عامل امنیت غذایی مشارکت شهروندی و اقتصاد سبز شهری است چیزی که بیش از ۷۰ درصد پرسشگران راغب به انجام آن بودند. کشاورزی شهری را می‌توان پرورش گیاه و دام داخل یا حاشیه شهر تعریف نمود. وجه تمایز زراعت شهری با زراعت روستایی، ادغام این نوع کشت با اقتصاد و بوم شهری است. زراعت شهری با اکوسیستم شهری به اشکال مختلف تلفیق می‌شود: اشکالی چون استخدام ساکنین شهر، به کارگیری منابع دورریز شهر (مانند فضولات طبیعی به عنوان کود و فاضلاب برای آبیاری)، ارتباط مستقیم با مصرف‌کنندگان، تاثیر مستقیم بر زیست‌بوم شهر (مفید و مضر)، تامین بخشی از چرخه غذایی شهر، تاثیر گرفتن از سیاست‌ها و برنامه‌های شهری و غیره. کشاورزی شهری نه یادبودی از گذشته است که در گذر زمان از میان برود (کشت شهری با رشد شهر افزایش می‌یابد) و نه لزوماً محدود به مهاجران از روستا است که خانه‌های خود را در روستا از دست داده‌اند؛ بلکه بخشی جدایی ناپذیر از سیستم شهری است. کشاورزی شهری در گذشته بوده و در آینده نیز خواهد بود. چیزی که جدید است، رویکرد دولت‌ها به

زراعت شهری غذای تازه تولید می‌کند، اشتغال را افزایش می‌دهد، فضولات شهری را بازیافت می‌کند، کمربند سبز برای شهر محسوب می‌شود و استقامت شهرها را در برابر تغییرات اقلیمی بالا و حاشیه شهری را سامان می‌دهد.

این نوع کشاورزی و به رسمیت شناختن و سیاست‌گذاری درباره آن است. چراکه رشد سریع شهرها در کشورهای در حال توسعه، فشار زیادی را بر سیستم تامین غذای شهری در پی دارد. زراعت در انواع آن (گل‌کاری، دام‌پروری، ماهی‌گیری، جنگل‌داری و تولید علفه و شیر) در حال گسترش در شهرها است.

پی نوشت

- 1-Mcata Bongiwa
- 2-Ankeeta Menona Jacob,
- 3-House food insecurity access scale
- 4-James

- 5-Ratzinger
- 6-G. Shefritz
- 7-David Garrick

منابع

- قریب، ح.، ۱۳۹۱. چشم‌انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد: ۲۱(۶۵).
- http://rahbord.csr.ir/article_124468.html
- کاشفی دوست، ا.، ۱۳۹۹. ارزیابی توان اکولوژیکی سرزمین مبنی بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد اقتصاد سبز، مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، فصلنامه توسعه کلیدی شهر: ۱۸.
- <https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/139030>
- علوی تبار، ع.ر.، ۱۳۷۹. مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارت جهانی و ایران) تهران سازمان شهرداری‌های کشور، ص ۱۵.
- مهدوی دامغانی، ع.م.، ۱۳۹۰. امنیت غذایی و اخلاق زیستی در کشاورزی پایدار، فصلنامه اخلاق در علم و فن- آوری: ۶(۲).
- <http://ethicsjournal.ir/article-1-732-fa.html>
- مهدوی دامغانی، م.، ۱۳۹۳. درآمدی بر مفهوم امنیت غذایی، دومین همایش ملی بهسازی در صنایع غذایی در زنجیره تولید، توزیع و مصرف، دانشگاه فردوسی مشهد.
- هادیانی، ز. و همکاران، ۱۳۹۳. بررسی ظرفیت و قابلیت‌های مشارکت شهروندان در امور شهری، مطالعه موردی: شهر فسا، فصلنامه جغرافیا و توسعه: ۱۲(۳۴).
- https://gdij.usb.ac.ir/article_1434.html
- الوانی، س.م. و همکاران، ۱۳۹۴. مشارکت عمومی، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی: ۲(۱)، ص ۲۳.
- <http://obs.sinaweb.net/>
- بهروزه، س. و ایزدی ب.، ۱۳۹۴. آموزش جغرافیای کشاورزی راهی به سوی توسعه پایدار، کنفرانس ملی ایده-های نوین در کشاورزی، محیط زیست و گردشگری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.
- حقوقی، م.، ۱۳۹۰. امنیت غذایی، فصلنامه آب و توسعه، ۲(۱). <https://jwsd.um.ac.ir/>
- رضوانی، م.، ۱۳۸۹. فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- رجبی، ا.، ۱۳۹۰. شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری، فصلنامه آمایش محیطی: ۴(۱۲).
- <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=143012>
- شکوری، ع.، ۱۳۸۳. امنیت غذایی و دسترسی به آن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی: ۲۴.
- https://jnoe.ut.ac.ir/article_10556.html
- فتاحی، س.، ۱۳۹۳. عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری: ۴(۱۰)، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=219171>

- Adcock, R., 2009. A Discourse Analytic Study of Food Security. School of Sociology, Politics, and International Studies, University of Bristol Working Paper: 07-09.

-Bhattacharyya, K., 2010. Drought Impacts and Potential for Their Mitigation in Southern and Western Afghanistan. International Water Management Institute.

- Bongiwa, M., 2015. Home gardening as a strategy for food security and poverty alleviation in low-income households in South Africa, International Food and Agribusiness Management Association.
- Chappell, M., 2006. Organic agriculture and the global food supply renewable agriculture and food security: 22(2), p. 86-108. <https://www.cambridge.org/core/journals/renewable-agriculture-and-food-systems/article/organic-agriculture-and-the-global-food-supply/93DD2635AC706B08EE68B881D17A143B>
- Jacob, A.M., 2018. Assessment of food insecurity and its correlates in a rural community of Karnataka: a case study. International Journal of Community Medicine and Public Health. 2018 Nov: 5(11), p. 4896-4900. https://www.researchgate.net/publication/328536767_Assessment_of_food_insecurity_and_its_correlates_in_a_rural_community_of_Karnataka_a_case_study
- Rivera, W.M., 2012. a new extension vision for food security Challenge to change. University of Maryland, College Park, USA.